

## نقش تصویر سازی در ترجمه احادیث<sup>(۱)</sup>

### تهیه و تنظیم: آیت الله اسماعیلی

انسانها برای برقراری ارتباط با یکدیگر نیاز به گفتگو یا سخن گفتن دارند. سخن از کلمه و کلام تشکیل شده است و چون حکمت در کلمه است نه کلام، باید کاربرد کلمات به طور دقیق بررسی شود. کلمه به چهار صورت وجود دارد: ۱ - لفظ و صدای معنادار ۲ - نوشته ۳ - مصداق خارجی ۴ - مفهوم ذهنی.

در بین اقسام چهارگانه فوق، انسان تمایل و انس بیشتری با مصداق خارجی دارد، زیرا برای همه قابل حس بوده و بدون هیچ صوت و نوشتاری دریافت می شود. مصداق عینی برخلاف نوشته که قراردادی است و در بین اقوام مختلف، شکلهای گوناگونی دارد، یک شکل بیشتر ندارد. مثلاً مصداق خارجی گل را می توان با چند زبان و چند خط بیان و توصیف کرد. حتی به جای توصیف می توان با یک بار نشان دادن آن، تمام مفاهیم وصفی و خصوصیات ذهنی آن را به مخاطب القاء کرد.

۱- این مقاله چکیده مباحثی است که توسط استاد عبدالهادی مسعودی در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۱

- ۸۰ در گروه مطالعاتی حدیث - برادران ورودی ۷۸ - مطرح شده است.

مخاطب نیز با دیدن گل به تمام مفاهیم ذهنی مخاطب پی می‌برد. به این روش اصطلاحاً تشبیه گفته می‌شود. در این روش گوینده مفاهیم ذهنی خود را با یک مصداق خارجی ملموس به مخاطب القاء می‌کند و ذهن او را که با مصداق خارجی بیشتر مأنوس است به سوی درک بهتر مطلب سوق می‌دهد.

در گفتگوی رودررو، روش دیگری نیز وجود دارد و آن این است که گوینده هنگام سخن گفتن، افعالی انجام می‌دهد و مطلب خود را با نشان دادن آن افعال به مخاطب القاء می‌کند. به دوروش پیشین تصویرسازی گفته می‌شود. بنابراین تصویرسازی بر دو گونه است:

- ۱- ایجاد ارتباط تصویری بین مصداق خارجی و ذهن مخاطب.
  - ۲- انجام افعالی به وسیله گوینده در هنگام سخن گفتن برای القاء مطلب به مخاطب.
- در احادیث ما از این دو گونه تصویرسازی فراوان استفاده شده است که در ادامه به ذکر نمونه هایی برای آن می‌پردازیم:

### الف - تصویرسازی با استفاده از تشبیه امور غیر حسی به امور حسی

۱- العلم قائد والعمل سائق و النفس حرون (تحف العقول ص ۲۰۸)

قائد یعنی کسی که افسار شتر را می‌گیرد و آن را می‌کشد که در ضمن باید راه را هم بلد باشد و سائق یعنی کسی که به پشت شتر می‌زند تا تندتر رود و حرون به معنای مرکب چموش است.

در این حدیث، نفس به مرکب چموشی تشبیه شده است که یکی از جلوزمام اورامی کشد و دیگری از عقب او را به جلو می‌راند ولی نفس تلاش می‌کند که از راه اصلی بیرون رود. در حدیث فوق مفاهیم «علم» «عمل» «نفس» که از مفاهیم ذهنی هستند با مفاهیم خارجی مانند قائد، سائق، حرون همراه گردیده است تا مطلب بهتر به مخاطب القاء شود.

۲- الولايات مضامير الرجال (نهج البلاغه/ق ۴۴۱)

مضامير یعنی، عرصه و میدان اسب سواری.

در اینجا ولایت یا حکومت که یک مفهوم معقول است به میدان اسب سواری

- تشبیه گردیده است و مخاطب با این تشبیه چند نکته را برداشت می‌کند: ۱ - همه در این مسابقه می‌خواهند برنده شوند؛ ۲- این مسابقه‌ای پرشتاب است؛ ۳ -

زمین خوردن در این میدان سهمناک و چه بسا کشنده است.

۳- ان الطمع مورد غیر مصدر و ضامن غیر وفی. (نهج البلاغه / حکمت ۲۷۵)  
مورد یعنی، چشمه و آبگیر.

در این حدیث طمع به چشمه‌ای تشبیه شده است که هیچ راه خروجی ندارد. آقای شهیدی ویژگی «چیزی که بیرون آمدن از آن مشکل است» را از لفظ «مورد» برداشت کرد و لفظ «پرتگاه» را برای آن در نظر گرفته است و این حدیث را این طور ترجمه کرده است: «طمع پرتگاهی است که بیرون شو ندارد».

۴- صاحب السلطان کراکب الاسد یغبط بموقعه و هو أعلم بموضعه. (نهج البلاغه ۲۶۳/)

در اینجا هم‌نشین پادشاه بودن به سوار شونده بر روی شیر تشبیه شده است که دارای این ویژگی است که در جای خطرناک قرار دارد و دیگران آرزوی آن جایگاه را می‌کنند. این ویژگی وقتی با چنین تشبیهی بیان می‌شود سبب می‌شود مخاطب بسیار سریع و دقیق به فهم مطلب نائل شود.

هم‌نشین پادشاه اندر خطر چون سوار اندر هراس از شیر  
مردمش در آرزوی جباه خود همی خواهد گریزد زین خطر

۵- الحلم غطاء سائر و العقل حسام قاطع فاستر خلل خلقک بحلمک و قاتل

هواک بعقلک (نهج البلاغه / ق ۴۲۴) م‌انسانی و مطافات فرنگی

در این حدیث علم و عقل که مفاهیم ذهنی هستند به محسوساتی مانند غطاء (برده) و حسام قاطع (شمشیر برنده) تشبیه شده‌اند که این مطلب در فهم عمیق و دقیق مطلب موثر است.

۶- امیر المؤمنین علی (ع) در دعای طلب باران فرمودند: اللهم اسقنا ذلک السحاب دون صعابها (نهج البلاغه / ق ۴۷۲)

ذلل: شتر رامی را گویند که شیرش را می‌دوشند و بر آن سوار می‌شوند و آن هم فرمان می‌برد و با سوارش خوشرفتاری می‌کند.

صعاب: به شترانی که سرکش هستند و بار از پشت خود می‌اندازند و سواران

خود را به زمین می‌زنند گفته می‌شود.

حضرت ابر را به دو دسته تقسیم کرده است: دسته اول ابرهایی که پربار و باران زا هستند و دسته دوم ابرهایی که غیر باران زا هستند و در مقام بیان، این دو دسته ابر به این دو نوع شتر (شتر رهوار و شتر چموش) تشبیه شده‌اند.

## ب - تصویر سازی با استفاده از الگوهای رفتاری و عملی

گاهی معصومین علیهم السلام سعی می‌کردند با رفتارشان مطلبی را به مخاطب القاء کنند. مثلاً حضرت علی (ع) در جایی می‌فرماید:

«اما انه ليس بين الحق والباطل الا اربعة اصابع (فجمع اصابعه و وضعها بين اذنه و عينه) ثم قال: الباطل ان تقول سمعت والحق ان تقول رأيت»

یعنی بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است سپس حضرت انگشتهای دستشان را جمع کردند و بین گوش و چشمانشان قرار دادند و سپس فرمودند: باطل آن است که بگویی شنیدم و حق آن است که بگویی دیدم. در اینجا حضرت با فعلی که در اثنای فرمایشات خود انجام می‌دهند ذهن مخاطب را به خود جلب کرده و مطلب را دقیقاً به مخاطب تفهیم می‌کند.

## ویژگی احادیث تصویر سازی شده

- ۱ - عدم جمود لفظی در ترجمه: با توجه به مفهومی که از مصداق خارجی الفاظ تشبیه در زمان معصومین فهمیده می‌شد، مترجم باید ویژگیهایی را که آن مصداق خارجی در عصر معصوم در برداشت، برگیرد و در مصداق خارجی دیگری که در عصر مترجم ملموس تر است بریزد.
- ۲ - عدم امکان ترجمه لفظ به لفظ: در احادیثی که یک مفهوم ذهنی به یک مصداق خارجی تشبیه شده است نمی‌توان حدیث را لفظ به لفظ ترجمه کرد، زیرا لفظی که بیانگر تمام ویژگیهای مصداق خارجی باشد وجود ندارد مگر مصداق خارجی دیگری که آن ویژگیها را داشته باشد.
- ۳ - استفاده از روش القای مطلب به طور عملی: این روش را می‌توان در سخنرانی‌ها و گفتگوها برای فهم دقیق و سریع مطلب بکار برد و فقط به گفتار بسنده نکرد. برای نمونه در کتابهای نهج البلاغه (ترجمه آقای شهیدی)، المجازات النبویة، امالی سید مرتضی و کتاب الحج (عبد الهادی فضلی) به تصویر سازی ذهنی و عملی در ترجمه توجه شده است.